خبرها

گمانه‌زنی درباره برندگان معتبرترین جایزه سینمای جهان

سایه اسکار بر چه کسانی می‌افتد؟

بخش فرهنگی- چند روز دیگر برندگان مهم‌ترین جایزه سینمایی جهان معرفی می‌شوند و به همین دلیل بازار گمانه‌زنی درباره برندگان داغ داغ است.

به گزارش خبرآنلاین، اسکار مهم‌ترین جایزه سینمایی جهان و آرزوی تمام بزرگان سینما است. شاهد و تاییدی بر این مدعا زمانی است که عوامل خلاق و بازیگران فیلم صرف تبلیغ برای بردن اسکار می‌کنند. به گفته ریچارد برودی منتقد فیلم نیویورکر اگر تهیه‌کنندگان باور نداشتند که اسکار برای فیلمشان مفید است و اگر بازیگران و تکنیسین‌ها از تاثیر اسکار بر پیشرفت کارشان مطمئن نبودند هیچکدام شش ماه از زندگیشان را صرف کمپین برای جایزه و شرکت در فرش قرمزها و نشست‌های خبری نمی‌کردند. اسکار تاثیرگذار است همانطور که فعالیت حرفه‌ای مارتین اسکورسیزی را پس از فیلم «از دست رفته» احیا کرد و بازیگرانی مثل ماهرشالا علی، وایولا دیویس و بری لارسن را در ردیف نخست ستاره‌های هالیوود قرار داد. نمونه‌های از این دست بسیار است و امسال هم نودویکمین دوره اسکار برگزار می‌شود. قدیمی‌ترین جایزه سینمایی جهان.

اسکار تحت تاثیر تغییر در ترکیب اعضای آکادمی

در چند سال اخیر آکادمی علوم و هنرهای سینما به دلیل ترکیب اعضایش که اغلب از مردان پا به سن گذاشته سفیدپوست تشکیل می‌شد تحت فشار بود و سعی کرد با پذیرفتن هنرمندان رنگین پوست و افزایش تعداد زنان از فشارها بکاهد. همین تغییر در بدنه آکادمی نه خیلی زیاد اما باعث می‌شود که برندگان اسکار هم شکل و شمایل تازه‌ای پیدا کنند.

نتفلیکس پلتفرمی تازه و جذاب برای سینماگران

سال گذشته در جشنواره کن بحثی جنجالی درباره فیلم‌های ساخته شده برای پلتفرم نتفلیکس به پا شد که از نظر بسیاری سینمایی نیستند و چون روی پرده اکران نمی‌شوند نباید در جشنواره‌های سینمایی حاضر باشند. اما در طرف مقابل این غول تازه دنیای سرگرمی باور دارد که دنیا تغییر کرده و شیوه تماشای آثار سینمایی هم پیرو آن دیگر مثل سابق نیست. هر چند استدلال‌های نتفلیکس برای جشنواره کن قابل قبول نبود و با دلخوری از پرزرق و برق‌ترین جشنواره سینمایی جهان کنار گذاشته شد اما زمان گذشت و شانس اصلی اسکار و پرسرصداترین فیلم سال از نتفلیکس بیرون آمد.

«رما» مکزیکی محبوب

«رما» به کارگردانی آلفونسو کوارون برای نتفلیکس ساخته شد و نخستین بار در جشنواره فیلم ونیز روی پرده رفت. این فیلم از ابتدا تحسین منتقدان را برانگیخت و با شیر طلایی ونیز پا به رقابت سخت فصل جوایز سینمایی گذاشت. این فیلم پس از آن البته برای واجد شرایط رقابت اسکار شدن اکران محدودی داشت و البته به غیر از اسکار در جوایز بسیاری از جمله گلدن گلوب و بفتا خوش درخشید.

«رما» که نماینده مکزیک در بخش اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان است در ۱۰ مورد از جمله بهترین فیلم، بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان، بهترین کارگردانی، بهترین فیلمبرداری، بهترین فیلمنامه و بهترین بازیگر زن نامزد دریافت جایزه اسکار و البته شانس اصلی جایزه است.

اگر بهترین فیلم را جایزه اصلی اسکار و معیار در نظر بگیریم، رقبای اصلی «رما» در این بخش فیلم‌های «کتاب سبز» و «سوگلی» هستند.

بد نیست بدانیم که کوارون کارگردان، نویسنده فیلمنامه، تدوینگر و فیلمبردار «رما» است و به احتمال بسیار در رویدادی کم‌سابقه با چند اسکار به خانه می‌رود.

تاثیر سیاست بر اسکار

زیاد شنیده‌ایم که اسکار سیاسی است و جوایز را به فیلم‌هایی می‌دهد که بر جریان‌های سیاسی روز سوار می‌شوند. البته بیراه هم نیست و اعضای آکادمی هم مثل باقی جامعه تحت تاثیر سیاست‌ها و بحث‌های داغ روز قرار می‌گیرند. اگر به اصل توجه کنیم باید شانسی هم برای دو فیلم سیاسی اسکار امسال یعنی «معاون» و «بلک‌ک‌کلنزمن» در نظر بگیریم.

«معاون» به کارگردانی آدام مک‌کی که تکلیفش مشخص است و زندگی دیک چنی معروف را به تصویر می‌کشد در سوی دیگر اما «بلک‌ک‌کلنزمن» قرار دارد که به کارگردانی اسپایک لی به موضوع داغ نژادپرستی می‌پردازد. موضوعی داغ که برخی حتی حاضرند برای جلب توجه از آن سوءاستفاده کنند!

شانس‌های اصلی برای جوایز اصلی

بهترین فیلم

شانس اصلی به باور اکثر منتقدان و کارشناسان سینما «رما» ساخته آلفونسو کوارون مکزیکی است.

بهترین بازیگر مرد

رقابت نفس‌گیری است و رامی مالک برنده جایزه گلدن گلوب و انجمن بازیگران آمریکا که نقش فردی مرکوری را در «راپسودی بوهمی» به زیبایی به تصویر کشید، پیشتاز آن است.

کریستین بیل بازیگر نقش دیک چنی در فیلم «معاون» شانس دیگری است و البته در این میان برخی برای بردلی کوپر برای بازی در «ستاره‌ای متولد می‌شود» شانس بالایی می‌بینند.

بهترین بازیگر زن

گلن کلوز بازیگر برنده جایزه گلدن گلوب فیلم «همسر» شانس اصلی دریافت اسکار است. البته او در این مسیر رقیب قدرتمندی مثل اولیویا کلمن دارد که جایزه بهترین بازیگر زن یک کمدی یا موزیکال گلدن گلوب را گرفت و بفتای انگلیسی را هم از آن خود کرد.

بهترین کارگردانی

حرفی در آن نیست. آلفونسو کوارون در این بخش یکه‌تاز و به احتمال بسیار برنده اسکار است. او تا اینجای کار تمام جوایز کارگردانی را درو کرده است. از گلدن گلوب بگیر تا انجمن کارگردانان آمریکا.

بهترین فیلمنامه (غیراقتباسی)

در این بخش اغلب کارشناسان سینما «سوگلی» را پیشتاز و برنده جایزه می‌دانند هر چند که جایزه گلدن گلوب را «کتاب سبز» از آن خود کرد.

بهترین فیلمنامه (اقتباسی)

اینجا شانس اصلی از آن «بلک‌ک‌کلنزمن» است که موضوعی به روز دارد.

بهترین فیلمبرداری

آلفونسو کوارون در فیلم «رما» یک تنه اغلب کارهای اصلی را انجام داده است و شانس اصلی دریافت جایزه بهترین فیلمبرداری هم هست.

البته این‌ها همه گمانه‌زنی است و باید منتظر ماند و در بامداد دوشنبه ششم اسفند به تماشای مراسم اسکار نشست و دید که همای سعادت سینما بر شانه چه کسی خواهد نشست.

عمران صلاحی؛ شوخِ شهرآشوبِ طنز ایران

سید عمادالدین قرشی

«عمران صلاحی» از نام آوران عرصه ادبیات جد و غیر جد، به تاریخ دهم اسفند ۱۳۲۵ در محله امیریه (مختاری تهران) متولد شد. پدرش محب الله (با اصالتی اردبیلی) کارمند راه آهن بود و بالطبع خانواده اش کثیر السفر بود. مادرش فیروزه (رزا) اصالتا از مهاجرانی بود که از باکو به ایران آمده بودند. خود عمران معتقد بود «مونتاژ تهران» است!

در دبستان های صنیع الدوله (قم)، قلمستان (تهران)، شهریار (تهران) و دبیرستان های امیر خیری (تبریز) و وحید (تهران) درس خواند. با مرگ پدرش (۱۳۴۰) به تهران (محله نازی آباد و جوادیه) بازگشتند. مدرک فوق دیپلم مترجمی زبان انگلیسی را از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران گرفت. با آن قامت کشیده، خدمت نظام وظیفه را در تهران، تبریز، کرمانشاه و مراغه در خلال سال های ۱۳۵۲-۱۳۵۰ سپری کرد. سال ۱۳۵۲ به دعوت نادر نادرپور، همکار گروه ادب امروز رادیو شد و به استخدام رادیو تلویزیون ملی ایران درآمد. آنجا با محمد قاضی، رضا سید حسینی و حسنعلی هروی آشنا شد. سال بعد با هایده وهاب زاده ازدواج کرد. از او دو فرزند (یاشار و بهاره) به یادگار است.

در خلال سال های ۱۳۵۴-۱۳۵۳ سردبیر دو هفته نامه قاصدک (نشریه خبری سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران) شد و در سال ۱۳۷۵ با سمت مسئول کتابخانه انتشارات سروش، بازنشسته شد. صلاحی، دوست داشت زندگینامه خودش را به سبک طنزنویس آمریکایی «جیمز تربر» بنویسد. او این کار را در شماره سوم فصل نامه گوهران انجام داد و نام «سوءپیشینه» بر آن نهاد. عمران صلاحی به قول منوچهر احترامی «هرگز در تاریکی گم نشد، بلکه در تاریکی درخشید.» به تشویق معلم ادبیاتش، سید عبدالعظیم فیاض، از دوازده سالگی به فارسی و از بیست سالگی به ترکی، سرودن شعر را آغاز کرد. سال ۱۳۴۰ زمانی که ساکن تبریز بود، نخستین شعر کودکش «باد پاییزی» در مجله اطلاعات کودکان منتشر شد. از سال ۱۳۴۵ شعر نو می نوشت.

نخستین شعر نیمایی اش را در سال ۱۳۴۷ در خوشه منتشر کرد و سال ۱۳۶۶ بود که به شعر سپید روی آورد. در بحبوحه انقلاب نیز، منظومه ای در رثای واقعه ۱۷ شهریور نوشت. در مجموع ۴۸ سال در قالب های کهن و نو طبع آزمایی کرد. شعرهایش تاکنون به زبان های ترکی، انگلیسی، فرانسوی، اسپانیولی، ایتالیایی و ... ترجمه شده و حتی بر اساس پاره ای از اشعارش ترانه ساخته اند. شعرهای عمران، خصیصه ای از ایجاز و مختصرنویسی دارند که شعرای اندکی از آن برخوردارند و می توان بدون امضا آثارش را شناخت، حتی اگر زمانی مطمئن نباشید که اثر را او نوشته، می گویید شبیه آثار صلاحی است.

از سال ۱۳۴۴، با انتشار شعر «بچه جاویده» در توفیق و دعوت از او به تحریریه، پایش به عرصه فکاهه و طنز مکتوب باز شد و با پیوستن تمام وقتش به توفیق، ضمن آغاز رفاقت عمیقش با پرویز شاپور، طنزنویسی منظوم و منثور را جدی تر دنبال کرد. همانجا بود که وجه کمتر دیده شده ای از او یعنی کشیدن کاریکاتور و طنز ترسیمی هم نمایان شد. علاوه بر اینها، مسئولیت خردبیری دو صفحه روزنامه حزب خران و ستون های «حکایت» و «چهلستون» در مجله توفیق نیز بر عهده او قرار گرفت. عمران در توفیق و در کنار احترامی، فرجیان، صابری، حالت، جلی، گویا، معمارزاده، کیمیاگر و ... اوج فکاهه و طنز آمیخته به هزل نویسی را تجربه کرد و همکاری اش با این روزنامه تا سال ۱۳۵۰ ادامه داشت.

در سال ۱۳۵۶، نمایشگاه مشترک طراحی های طنزآمیز او، پرویز شاپور و بیژن اسدی پور در نگارخانه تخت جمشید برگزار شد که با استقبال کم نظیری روبرو شد، آن چنان که خسرو گلسرخی در کیهان سالانه و آیندگان، از عمران، همپای اردشیر محصص، کامبیز درم بخش و ... به عنوان کاریکاتوریست های مطبوعاتی دهه پنجاه یاد کرد. صلاحی به گواه اسامی مستعارش، یکی از فعال ترین طنزپردازان قبل و بعد از انقلاب است. به قول مسعود کیمیاگر، «در طنزنویسی از هر روان نویسی، روان نویس تر بود.» اسامی همچون ابوطیاره، ابوقراضه، بچه جوادیه، مشد بایرام، آرمان صلاحی، دوست جدول دوست، آب حوضی، زرشک، پیت حلبی، زنبور، شعله، شکرچیان، ع. شکرچیان، ع. مداد، کمال تعجب، مراد محبی، میخ طویله، ابوالحمار، خردبیر، یکی از بزرگان اهلتمیز، جواد مخفی، راقم این سطور، بلاتکلیف و ...

این اسامی، با کارکردهای متنوع در قالب هزل و فکاهه و طنز در مطبوعات پیش و پس از انقلاب عرصه یکه تازی عمران صلاحی بودند. اگر توفیق را عیاری برای سنجش فکاهه و طنز عامه بدانیم، صلاحی علاوه بر این، برای نشریات روشنفکری و خواص نیز طنز می نوشت. در مجله خوشه با همکاری پرویز شاپور، ستون«فکر از شاپور، ذکر از صلاحی» را ارائه می کردند. نشریات دیگری چون گزارش کتاب، جُنگ فلک الافلاک، تماشا دفترهای زمانه، امید ایران (ستون های پرت و پلا، شاخ و شونه)، نگین، هنر و ادبیات امروز (ضمیمه پرچم خاورمیانه) و ... از جمله معروف ترین مجلات جریان روشنفکری پیش از انقلاب بودند که او در آنها می نوشت یا طرح می زد.

بعد از انقلاب نیز، غیر از مطبوعه های متنوع و موسسه گل آقا (اعم از هفته نامه، ماهنامه، سالنامه، بچه ها گل آقا و ...) که صلاحی با ارادت عجیبش به صابری، مجدانه از آنها حمایت می کرد، فصل نامه ها و مجلاتی همچون بابا، بخار (تداعی معانی)، دفتر هنر، آدینه، زمان شوکران (رفع تکلیف)، کارنامه (حرف اضافه)، نشانی (خط و نشان)، کلک، گلستانه، آزما، گوهران، معیار، نافه، شعر (سوره)، فرهنگ مردم، آذری و ... آثار متنوع و کثیری از او منتشر یا بازنشر می کردند. در خلال دهه های شصت و هفتاد، مرور ستون های طنز صلاحی در ماهنامه هایی نظیر بُرج، دنیای سخن (حالا حکایت ماست) و خورجین، همچنان خواندنی و تأمل برانگیز است. در اغلب طنز نوشته های صلاحی، همواره رد پای ادبیات، ضرب المثل ها، اصطلاحات و کنایات، اشارات و لطایف و مطایبات و اقسام تعابیر ادبی و عامیانه به چشم می خورند.

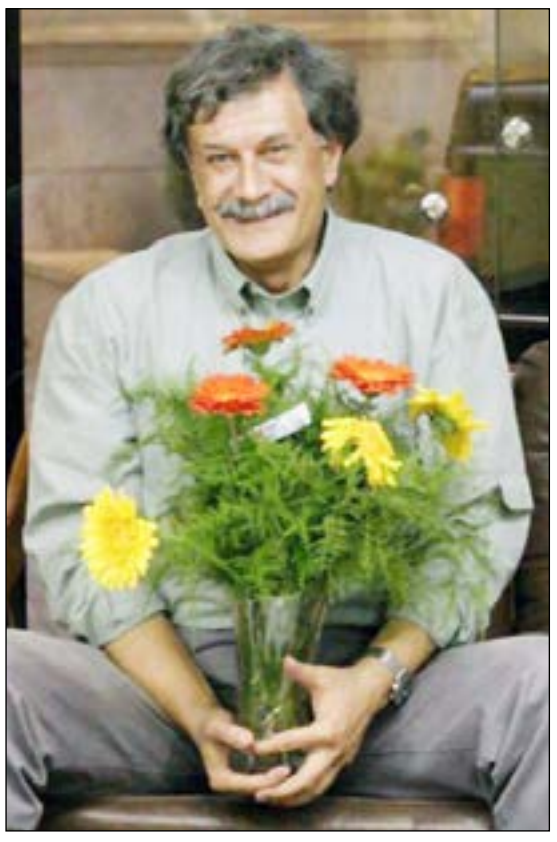

او تبحر بی نظیر در بازنویسی و احیای فولکلور فکاهی و لطیفه های طنزآمیز ادوار گذشته داشت. در ساختن لطیفه های بداهه، خبره بود: «شخصی به میوه فروشی می رود و چشمش به چندتا کدوحلوایی می افتد، به میوه فروش می گوید لطفا یک دانه گلابی خانواده بدهید!» هر چند عمران در ظاهر محجوب و خجالتی بود، اما انتشار برخی مطالب نیش دارش مانند «رساله آب سرد»، قلمش را در مجله دنیای سخن دچار عوارض جانبی کرد. بعد از چند ماه وقفه انتشار و انتشار مجدد، سروده بود: «ای دوست تو نیز می توانی/ در زمره این رجال باشی/ در مدت اندکی چو آنان/ دارای زر و یال باشی/ شب تا به سحر زیاده سرمست/ در مجمع اهل حال باشی/ مشروط بر این که بر دهانت/ چسبی بزنی و لال باشی!».

سویه دیگر همکاری های صلاحی به رادیو و تلویزیون باز می گشت که برنامه های طنز متنوعی نظیر «زیر دندان طنز» را برایشان نویسندگی یا گویندگی می کرد. ایده برنامه «کاریکاتور در ایران و جهان» در تلویزیون متعلق به او بو. در همین برنامه بود که وجهه پژوهشگری صلاحی نمایان شد. او عاشق ظریف گویی و ظریف نویسی بود. اصطلاح «خنده سازان و خنده پردازان»، «طنزیم کنندگان»، «حالا حکایت ماست»، «عملیات عمرانی» و بسیاری کلیدواژه های شوخ طبیعی را اول بار او خلق و مطرح کرد. تمایز بین SATIR و IRONY را اول بار او متذکر شد. نگارش زندگینامه بسیاری از طنزپردازان و مرور کارنامه مطبوعات طنز دیروز، به همت او منتشر یا خوانده شد.

امروز، بخش زیادی از طنزنویسان و طنزپردازان جوان یا میانسال معاصر، خود را وام دار قلم نام دار او می دانند. به موازات همین حضور همه جانبه در مطبوعات، رادیو و تلویزیون و پژوهش، او حضور پررنگی در انجمن های ادبی داخلی و خارجی داشت. در واقع از همان نوجوانی پایش به این محافل باز شد. خودش می گفت: «می خواستم ببینم شاعرها چه شکلی هستند. تا به آن موقع شاعر ندیده بودم و اولین شاعر که دیدم استاد عباس فرات بود... به قد بلند من اشاره کرد و گفت چرا داری می ری به آسمان؟»

شرکت در انجمن های ادبی ایران و پاکستان، ایران و ترکیه، تهران، ایران، آذر آبادگان، صائب، دانشوران، حافظ، کلبه سعد، دیهیم، شب های گوته، صابر، گروه شاعران سه شنبه، خانه طنز، بنیاد نویسندگان و هنرمندان، دفتر طنز حوزه هنری، خانه شاعران ایران، گروه شعر معاصر، خانه ادبیات ایران، گروه شاعران ترک زبان، گروه داستان نویسان و ... در کارنامه عمرش دیده می شود. آشنایی با حسین منزوی، یادگار همین انجمن ها در جوانی اش بود. سروده بود: «با منزوی پیاده روی می کنیم ما/ خود را بدین وسیله قوی می کنیم ما». آشنایی و دوستی با سیمین بهبهانی، احمد شاملو، منوچهر آتشی، مفتون امینی، علی باباچاهی و ... برایش در همین انجمن ها طی دهه شصت رخ داد. طنزآوران امروز ایران (۱۳۴۹)، یک لب و هزار خنده (۱۳۸۲)، حالا حکایت ماست (۱۳۷۷)، کمال تعجب (۱۳۸۱)، تفریحات سالم (۱۳۸۵)، عملیات عمرانی (۱۳۸۳)، خنده سازان و خنده پردازان (۱۳۸۳)، موسیقی عطر گل سرخ (۱۳۸۳)، طنز و شوخ طبعی ملانصرالدین (۱۳۷۹)، شوخی های شاعران (۱۳۸۱)، زبان بسته ها (۱۳۸۵)، از گلستان من ببر ورقی (۱۳۸۱)، گزیده اشعار طنزآمیز (۱۳۸۲)، طنز در کاغذ کاهی (۱۳۵)، گفتار طرب انگیز (۱۳۸۷)، کاریکلماتورهای پرویز شاپور (به اهتمام، ۱۳۵۰) و ... عناوین برخی از آثار شاخص مکتوب عمران صلاحی در حیطه طنز و شوخ طبعی است. اما از او کتاب های بسیاری هم در حوزه شعر غیر طنز و پژوهش و ترجمه ادبی بر جای مانده است. ناشران او را آنچنان شیدای طنزنویسی می دانستند که کمتر رغبت و فرصتی برای انتشار اشعار جدی، داستان کوتاه، رمان و حتی ترجمه هایش ایجاد شد. جایی سروده بود: «از بس که من آزرده ز دست فلکم/ در برزن و کوی، روز شب می پلکم/ خندیدن من نباشد از روی نشاط/ انگشت زمانه می دهد قلقلکم!» شاید برای فهمیدن عمق نگاه او بایستی نیم نگاهی به اشعار جدی اش نیز داشت. مثلا زمانی که می گوید: «من بچه جوادیه ام/ از روی پل که می گذری/ غم های سرزمین من آغاز می شود...» در سال های اخیر، و به مرور دفترهای شعر صلاحی یکی پس از دیگری منتشر شدند تا نمایانگر شکوه این سرو فروتن باشد.

عمران صلاحی از معدود طنزپردازانی است که پس از مرگش (۱۱ مهر ماه ۱۳۸۵)، ویژه نامه ها و پرونده های بسیاری در ستایشش انتشار یافت. از مهم ترین آنها انتشار دفتر هنر ویژه سه تفنگدار (عمران صلاحی، پرویز شاپور و بیژن اسدی پور) در آمریکا بود. از پس این سال های بی حضورش، عمران صلاحی هرگز به محاق نرفت. برای شناختنش باید او را فقط با خودش مقایسه کرد؛ مانند الماس که آن را با الماس تراش می دهند؛ کارهایش با آثار هیچ کسی قابل مقایسه نیست. اندیشه، شیوه نگارش و حتی رفتارش یگانه است و خواهد ماند. عمران صلاحی در نهایت قدرت و توان می نوشت و می سرود. به قول خودش: «قلم در دست او مانند موم است/ در اینجا مطلب ما هم تموم است!»

هفت رمان بزرگ دنیا به انتخاب روزنامه گاردین

محمودرضاحائری

روزنامه مشهور گاردین در فهرستی منتخبی از رمان های برگزیده جهان را معرفی کرده است در اینجا برگزیده هفت رمان از این فهرست را گرد آورده ایم.

دن کیشوت
سروانتس
ترجمه‌ی محمد قاضی

آلونسو کیشانو پنجاه‌ساله و نه چندان ثروتمند، لاغر اندام و با صورت استخوانی، به همراه خواهرزاده‌اش، آنتونیا و خدمتکار بداخلاقش در روستای اسپانیایی لامانشا زندگی می‌کند. کیشانو در اغلب کارهایش مردی عملگراست. او نسبت به هم‌رده‌هایش در جامعه، کشیش روستا و طبقهٔ خدمتکاران مهربان است. کیشانو برای طبقهٔ حاکم احترام ویژه‌ای قائل است و آن‌ها را بدون چون و چرا از خود بالاتر می‌داند. او نه میلی به ثروت و مقام دارد و نه فقر آبرومندانه‌اش مایهٔ کج‌خلقی‌اش می‌شود.

باارزش‌ترین دارایی کیشانو که کتاب‌خوان و اهل تفکر است، کتاب‌هایش هستند. او تحت تأثیر کتاب‌هایش، ابتدا به آیین‌ها، ماجراها و قصه‌های شوالیه‌گری علاقه‌مند می‌شود و سپس به تدریج شیفتهٔ شوالیه‌های ماجراجویی می‌شود که دنبال مأموریتی شرافتمندانه و آرمانی هستند. اشتهای کیشانو به داستان‌های شوالیه‌گری تشدید می‌شود و برای خرید کتاب‌های بیشتر زمین‌هایش را می‌فروشد. کتاب‌ها پشت سر هم قطار می‌شوند و او بیشتر از قبل خودش را غرقِ مطالعه می‌کند. به گفتهٔ سروانتس بر اثر مطالعهٔ زیاد و خواب کم، مغز دن‌کیشوت آب می‌رود و هوش و حواسش را از دست می‌دهد. رؤیای کیشانو این است که شوالیه‌ای ماجراجو شود و سوار بر اسب و زره بر تن در دنیا ماجراجویی کند. با این هدف که تمام اشتباهات عالم را درست کند.

برادران کارامازوف
فئودوردااستایفسکی
ترجمه ی احد علیقلیان

داستان کتاب ماجرای خانواده‌ای عجیب و شرح نحوهٔ ارتباطی است که بین فئودور کارامازوف، پیرمرد فاسدالاخلاق و متمول با سه پسرش به نام‌های میتیا، ایوان و آلیوشا و پسر نامشروعش به نام اسمردیاکوف وجود دارد. برادران کارامازوف رمانی فلسفی است که به طور عمیقی در حوزهٔ الهیات و وجود خدا، اختیار و اخلاقیات می‌پردازد. از زمان انتشار این رمان توسط بسیاری از اندیشمندان و دانشمندان همانند آلبرت اینشتین، زیگموند فروید، مارتین هایدگر، کورت ونگات، لودویگ ویتگنشتاین و پاپ بندیکت شانزدهم مورد تحسین قرار گرفته‌است.

مادام بواری
گوستاوفلوبر
ترجمه‌ی مهدی سحابی

داستان با وارد شدن شارل بووآری به عنوان شاگرد تازه ای به یک دبیرستان شهرستانی آغاز می‌شود و سپس خواننده مسیر زندگی حقیر این پسربچه را دنبال می‌کند که به عنوان طبیب بهداری به کار می پردازد و با بیوه زنی که مادرش برای او می‌گیرد عروسی می‌کند. زن از او بزرگتر است، او را هم دوست دارد، ولی در مورد او مستبدانه عمل می‌کند.

این کتاب بی‌شک مشهورترین و مقبول‌ترین اثر فلوبر است. به گفته امیل زولا که از سران جنبش واقع گرایی و از نویسندگان بزرگ قرن نوزدهم ادبیات غرب است، همه کتابهایی که ما می نویسیم و به نظرمان واقعی می آیند، در مقایسه با اثر فلوبر کارهایی سطحی و احساساتی اند و به درد تماشاخانه می خورند. نظراتی از این قبیل در باره نقش و اهمیت فلوبر و دو اثر عمده او «مادام بووآری» و «تربیت احساسات» بسیار بیان شده و کم نیستند نویسندگان و منتقدانی که فلوبر را آغازگر رمان مدرن و این دو اثر را سنگ زیربنای شیوه داستانسرایی امروزی می دانند.

بلندی های بادگیر
امیلی برونته
ترجمه‌ی رضا رضایی

راوی رمان بلندی های بادگیر، زنی ست که ماجراهای عجیب و شورانگیزی از عشق در دو خانواده را شرح می دهد. داستان اصلی کتاب، همانطور که از نام دوم آن نیز می‌توان دریافت، داستان عشق و دلدادگی اعضاء و خدمتکاران دوخانواده ارنشا و لینتون، و همچنین کینه و عناد میان آنها است. عشق نا فرجام هیتکلیف به کارترین ارنشا و در پی آن رشد حس انتقام جویی نسبت به خانواده ارنشاء در هیت کلیف اصلی‌ترین منشأ حوادث داستان است. و الن به عنوان کسی که از هنگام خردسالی تا به حال در این دو خانواده خدمتکار بوده، وقایع را با جزئیات و حساسیت هرچه تمام‌تر نقل می‌کند. داستان زیبای رمان بلندی‌های بادگیر و نثر شاعرانه آن برای مخاطبان بسیار جذاب است.

بازار خودفروشی
ویلیام تکری
ترجمه‌ی منوچهر بدیعی

ویلیام تکری امروزه از نویسندگان کلاسیک ادبیات جهان به حساب می‌آید و رمان بازار خودفروشی، یکی از مهم‌ترین رمان‌های او و همچنین یکی از مهم‌ترین رمان‌های قرن نوزدهم انگلیس است. منوچهر بدیعی در مقدمه‌ای خواندنی که بر ترجمه فارسی این رمان نوشته است، درباره این رمان و درون‌مایه و زمینه تاریخی-اجتماعی آن این‌گونه توضیح می‌دهد: «داستان بازار خودفروشی یک دوره تقریبا بیست‌ساله (از حدود ۱۸۱۱ تا حدود ۱۸۳۰) را دربرمی‌گیرد. معمولا از لحاظ تاریخ تحولات اجتماعی اروپا سال ۱۸۳۰ را آغاز قرن نوزدهم می‌دانند. تا آن سال بورژوازی صنعتی و تجاری و مالی، قدرت اقتصادی و سیاسی را یک‌سره قبضه کرده بود. اشراف فئودال از میدان وقایع تاریخی و اجتماعی ناپدید گشته و به خلوت خود رانده شده بودند. شکی نبود که بورژوازی به پیروزی رسیده است.»

صومعه پارم
استاندال
ترجمه‌ی اردشیر نیک پور

نویسنده، در فصل اول که عنوان آن «میلان در ۱۷۹۶» است، بر مبنای اعترافهای یک ستوان فرانسوی، به نام روبر، ما را با مارکی دل دونگو ی پیر، هوادار اتریش و مرتجع دمدنش، و مخصوصاً دو زن، ماکیز جوان و خواهر مارکی، یعنی ژینا آشنا می‌کند. نویسنده با اشاره‌های سریع، تلقین می‌کند که قهرمان جوان داستان، «مارکی جوان» فابریس دل دونگو، ثمره رابطهٔ روبر و مارکیز است. این پس در دوره پرهیجان و پرافتخار جنگهای ناپلئون بزرگ می‌شود.

در قصر گریانتا در ساحل دریاچه کوم، که پدر و برادر بزرگش نماینده ارتجاع و تاریک‌اندیشی‌اند، سخت به مادر و عمه ژینای خود (که بیوه یکی از افسران ناپلئون است) دل بسته است. فابریس، در ۱۸۱۵، به شنیدن خبر بازگشت ناپلئون از جزیره الب، از خانه می‌گریزد تا به اتفاق وی بجنگد. پس از ماجراهای افسانه‌ای، عصر روز نبرد واترلو، به واترلو می‌رسد؛ بی‌آنکه چیز مهمی دریابد. شاهد نبرد و بعد گرفتار سیل عقب‌نشینی می‌شود. در بازگشت چون مارکی دل دونگو او را از قصر می‌راند به نزد عمه‌اش در پارم پناه می‌برد. در واقع، ژینای بسیار زیبا که بیوه مانده است، با نخست‌وزیر شاهزاده پارم، کنت موسکا، آشنایی پیدا کرده و برای حفظ ظاهر، با دوک دو سانسورینای پیر ازدواج کرده است و زینت دربار حاکم ظالم و کوچک پارم است.

سرگذشت هاکلبری فین
مارک تواین
ترجمه‌ی نجف دریابندری

مارک تواین، با داستان های پرماجرای خود مانند «تام سایر» و «هاکلبری فین» به نویسنده ای جهانی بدل شد و در سراسر جهان خوانندگان فراوانی یافت.«ارنست همینگوی» در اثر خود به نام «تپه های سبز آفریقا» می نویسد: «تمام ادبیات نوین آمریکا از یک کتاب سرچشمه می گیرد و آن «هاکلبری فین» اثر مارک تواین است... و بهترین کتابی است که در دست داریم.»

ماجراهای هاکلبری فین داستان نوجوانی است که پدرش بعد از چند سال گم می شود بعد او با تام سایر دوست میشود .او را بدست فردی به نام بیوه می سپارند. او همراه با خواهرش دوشیزه واتسون زندگی میکند که او یک برده سیاه به اسم جیم دارد. هاکلبری فین و جیم که تلاش می کنند راهی برای رسیدن جیم به آزادی پیدا کنند. آنها درگیر ماجراهای زیادی می شوند و با افراد جالبی مواجه می شوند...

خبرها

امیر احمدی‌آریان رمانی به زبان انگلیسی منتشر می‌کند

بخش فرهنگی- نخستین اثر داستانی امیراحمدی آریان به زبان انگلیسی موفق به چاپ می‌رسد

به گزارش مهر، امیر احمدی آریان نویسنده، مترجم و منتقد ادبی ایران از تالیف نخستین رمان خود به زبان انگلیسی و انتشار آن توسط کمپانی نشر هایپرکالینز خبر داد.

آرین در این زمینه در صفحه شخصی خود در تویتر نوشت:اولین رمانم به انگلیسی ژانویه ۲۰۲۰ منتشر خواهد شد. عنوان کتاب «و نهنگ او را بلعید» است و ناشر آن HARPERVIA، ایمپرینت هارپرکالینز است.

آریان متولد ۱۳۵۸ تحصیل کرده در مقطع دکترای ادبیات تطبیقی دانشگاه نیوزیلند استرالیاست. وی در ایران با ترجمه آثاری از پل اوستر، تری ایگلتون، دکتروف، خیمنز و انتشار آثاری چون «چرخ دنده‌ها»، «نگاه خیره منتقد»، «جایی برای پیرمردها نیست»، «پیش روی» شناخته شده است. همچنین نخستین کتاب تالیفی وی در زمینه نظری ادبیات نیز با عنوان «شعارنویسی بر دیوار کاغذی» چندی قبل از سوی نشر «چشمه» چاپ و پخش شده است.

سینماگر چینی علیه مقامات چین

پای سانسور سیاسی در میان است؟

بخش فرهنگی- تهیه‌کننده فیلم اپیزودیک «برلین دوستت دارم» به دلیل حذف اپیزودی که متعلق به آی وی‌وی هنرمند چینی در این فیلم بوده است، وارد مجادله لفظی با وی شد.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از ورایتی، آی وی‌وی هنرمند چینی ادعا کرده بخش مربوط به او که ساخت آن را در فیلم اپیزودیک «برلین دوستت دارم» برعهده داشته است توسط تهیه‌کنندگان و به دلایل سیاسی از فیلم بیرون کشیده شده و این کار از ترس نارضایتی مقامات چینی بوده است. اما امانوئل بنبیهی تهیه‌کننده فیلم که در شانگهای حضور دارد می‌گوید حذف بخش«آی» ربطی به مقامات چینی ندارد و این بخش از ویژگی‌هایی که مشمول حضور در این فیلم شود برخوردار نبود.

«برلین دوستت دارم» که شامل قطعاتی کوتاه با حضور ستارگانی چون هلن میرن و کایرا نایتلی است، در جشنواره فیلم برلین به نمایش درآمد اما نتوانست موفقیتی در بخش رقابتی یا حتی یکی از بخش‌های جانبی جشنواره به دست آورد و به جای آن از ۸ فوریه راهی سینماهای آمریکا شد تا مسیر تجاری خود را طی کند.

آی وی وی ساخت بخش مربوط به خود را سال ۲۰۱۵ انجام داده بود و این خیلی پیش از آن بود که برای ساخت قطعه‌های دیگر، پیتر چلسوم، تای شوایگر و ۹ کارگردان دیگر پشت دوربین قرار بگیرند. آی قطعه مربوط به خود را در سکوت و از راه دور با ویدیو کال ساخته بود و این کار را زمانی انجام داد که در زندان خانگی در چین بود. این او این کار را برای کلاوس کلاوسن تهیه‌کننده آلمانی فیلم که یکی از کارگردان‌ها هم بود انجام داد. آی پس از مدتی از چین خارج و در برلین ساکن شد.

داستان قطعه وی درباره پسری است که شهر جدیدی را کشف می‌کند که در آن می‌تواند از یک تکنولوژی نامطمئن برای ایجاد ارتباط با پدرش که از او دور افتاده استفاده کند. نقش این پسر را پسر «آی» بازی کرده و ارتباط او با پدرش در این قطعه تصویر شده است.

کلاوسن حالا مدعی است فشار توزیع‌کنندگان موجب شد تا این بخش را حذف کند. وی دیروز خیلی واضح گفت: برخی از توزیع‌کنندگان به ما گفتند «نه». البته او از بردن نام این کمپانی‌ها خودداری کرد.

وی افزود: این تصمیم را گرفتیم تا بتوانیم فیلم را به نمایش درآوریم. این مرا کاملا ناراحت کرد اما در قبال دیگر کارگردان‌ها و بازیگران مسئول بودم. در غیر این صورت برای داشتن یک اکران جهانی مشکل داشتیم و من تا آخرین لحظه سعی کردم در برابر این تصمیم ایستادگی کنم.

اما بنبیهی تهیه‌کننده این فیلم که فرانچایزی از «شهرهای عشق» است می‌گوید تفاوت‌های خلاقانه موجب بیرون کشیدن این قطعه از فیلم شد.

وی گفته است: قطعه‌ای که از هر کارگردان خواسته شده بسازد داستانی عاشقانه از یک محله خاص برلین امروز را روایت می‌کند. این کار به منظور تحسین عشق «در» یا «به» برلین انجام شد و همه این کار را به خوبی انجام دادند ولی بخش آی وی‌وی کاملا با بقیه موارد متفاوت بود. بر مبنای مقررات حاکم بر ساخت این مجموعه فیلم که با عنوان «شهرهای عشق» ساخته می‌شود هر کارگردان حق دارد که قطعه خودش را تدیون نهایی کند، ولی کنار هم قرار دادن این قطعه‌ها و تصمیم‌گیری‌های نهایی با تهیه کننده است. هنرمند چینی اما در مجموعه‌ای از توییت‌های منتقدانه اعلام کرده که معتقد است سانسور سیاسی موجب شده تا این کار انجام شود و این بخشی از سانسورهای مقامات چینی در سینماست. وی حذف فیلم جدید ژانگ ییمو از جشنواره فیلم برلین را نمونه دیگری از چنین سانسورهایی خوانده است. گفته شده این مجموعه قرار است در آینده به شانگهای برود و با تمرکز بر این شهر داستان‌های متفاوتی از عشق را روایت کند و به همین دلیل تهیه‌کننده ترجیح داده است تا جانب احتیاط را رعایت کند.